

بررسی ویژگی‌های کانی‌شناسی توده‌های پورفیری بارور و نیمه بارور در کانسار مس-طلای پورفیری دالی، دلیجان، استان مرکزی

علیرضا زراسوندی، مهدی دانشجو*، هوشنگ پورکاسب

گروه زمین شناسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران، اهواز

* M_daneshjo2007@yahoo.com

چکیده

محیط‌های ولکانو-پلوتونیک مرتبط با فرورانش به علت وجود منابع معدنی همراه با توده‌های آذرین و فعالیت‌های گرمایی همانند ذخایر پورفیری همواره یکی از جایگاه‌های مهم از نظر زمین‌شناسی اقتصادی به شمار می‌روند. یکی از ویژگی‌های این مناطق همراهی توده‌های بارور و نیمه بارور تا عقیم با هم می‌باشد که نیازمند شناسایی و جدایش آنها از همدیگر بر اساس مطالعات زمین‌شیمی، کانی‌شناسی و روابط صحرایی است. کانسار مس-طلای پورفیری دالی در بخش مرکزی ارومیه-دختر یکی از این ذخایر بشمار می‌رود که بر پایه‌ی مطالعات کانی‌شناسی و روابط صحرایی مشخص گردید که واحد جنوبی آن به دلیل وجود کانی‌های آبدار همچون هورنبلند به صورت درشت بلور اولیه (بیانگر وجود حداقل ۴ درصد وزنی آب در ماگمای مادر)، رخداد دگرسانی‌های فلیک و آرژلیک و عملکرد بیشتر دگرسانی برون‌زاد نسبت به بخش شمالی کانسار از نظر اقتصادی مستعدتر بشمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: توده‌های بارور و نیمه بارور، کانی‌شناسی، مس-طلای پورفیری

مقدمه

ذخایر مس پورفیری محصولات سیستم‌های گرمایی بزرگی هستند که درون و اطراف توده‌های نفوذی فلسیک در سطوح نسبتاً بالای پوسته جای گرفته‌اند. این ذخایر در محدوده‌ی وسیعی از سیستم‌های ساده شامل یک نفوذی منفرد با همراهی مستقیم ماده معدنی و دگرسانی دما بالا تا سیستم‌های پیچیده شامل تعداد زیادی نفوذی و همپوشانی چندین مرحله ته نشست و دگرسانی در محدوده‌ی وسیعی از دما قرار می‌گیرند و جزء بزرگترین منابع طلا در پوسته‌ی بالایی هستند (E. Kesler et al., 2002). کانسار مس-طلای پورفیری دالی در بخش مرکزی کمان ماگمایی ارومیه-دختر در شهرستان دلیجان، استان مرکزی واقع شده است و از دو بخش با فاصله‌ی حدوداً ۱/۵ کیلومتری بنام‌های تپه‌ی شمالی با عیار متوسط طلا و مس به ترتیب ۰/۵۵ گرم بر تن و ۰/۱۵ درصد و تپه‌ی جنوبی با عیار متوسط طلای ۰/۶۵ گرم بر تن و مس ۰/۵ درصد تشکیل شده است. مطالعات زیادی توسط محققین زمین‌شناس در رابطه با بررسی توده‌های بارور و نابارور به منظور شناخت و جدایش آنها بر پایه کانی‌شناسی، زمین‌شیمی، تاثیر سیالات و دگرسانی‌های گرمایی، تاثیر عوامل ساختاری و غیره صورت گرفته است (J. Shahabpour, 2008 و (ب. شفیعی، ۱۳۹۰؛ ع. زراسوندی و س. لیاقت، ۱۳۸۴).